

« هدف کلی درس : شناخت قلمرو رسالت پیامبر اکرم (ص) و توانایی تبیین آن قلمروها »

« خلاصه درس چهارم « مسئولیت‌های پیامبر » دین و زندگی (۲) پایه یازدهم، رشته‌های ریاضی فیزیک و علوم تجربی »

* پیامبر اکرم (ص) به عنوان آخرین پیام رسان الهی ← به مدت ۲۳ سال مردم را به آخرین و کامل‌ترین برنامه هدایت فراخواند و برای رستگاری آنان و نجاتشان از گمراهی، تلاش بسیاری کرد و با استقامت و صبری بی‌مانند، وظیفه سنگین رسالت را به پایان رساند.

* مسئولیت‌های (وظایف) رسول خدا (ص) عبارتند از :

(۱) دریافت و ابلاغ وحی ← رسول خدا (ص) آیات قرآن کریم را به طور کامل از فرشته وحی دریافت می‌کرد و بدون کم یا زیاد به مردم می‌رساند و این مسئولیت را به طور کامل انجام می‌داد و همه آیات قرآن کریم را برای مردم می‌خواند و نویسندگانی را مأمور نوشتن قرآن نمود و عده‌ای آیات را فرا می‌گرفتند و حفظ می‌کردند. یکی از یاران پیامبر، به نام عبدالله بن مسعود می‌گوید : « ما ده آیه از قرآن را از پیامبر فرا می‌گرفتیم و بعد از اینکه در معنای آن تفکر می‌کردیم و به آن عمل می‌نمودیم، بار دیگر برای یاد گرفتن آیات بعدی، نزد پیامبر می‌رفتیم ». نویسندگان قرآن را کاتبان وحی و حفظ کنندگان قرآن را حافظان وحی و اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن حضرت علی (ع) بود.

(۲) مرجعیت دینی (تعلیم و تبیین قرآن) ← کسی که توانایی تبیین و تفسیر آیات قرآن و معارف دینی را دارد و می‌تواند احکام الهی را بیان کند، مرجعیت دینی نام دارد. پیامبر اکرم (ص) علاوه بر رساندن وحی به مردم، وظیفه تعلیم و تبیین آیات قرآن را بر عهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند، جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی گفتار و رفتار پیامبر اکرم است و مسلمانان با مراجعه به گفتار و رفتار پیامبر به معنای واقعی بسیاری از معارف قرآن پی می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ما اکنون، نماز، روزه، حج و ... مطابق گفتار و رفتار رسول خدا انجام می‌دهیم و ایشان اولین و بزرگترین معلم قرآن بوده است.

(۳) ولایت ظاهری (اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی) ← سرپرستی و اداره و رهبری جامعه اسلامی بر اساس قوانین اسلامی برای برقراری عدل و قسط و تنظیم روابط مسلمانان بر مبنای قوانین دین، ولایت ظاهری نام دارد. رسول خدا (ص) به محض اینکه مردم مدینه اسلام را پذیرفتند، به این شهر هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه آمده بودند، حکومتی بر مبنای قوانین اسلام پی ریزی نمود. روایات متعددی از معصومین نقل شده که اسلام را بر « پنج پایه » استوار دانسته و از میان آن‌ها « ولایت » را مهم‌ترین پایه شمرده است.

* امام باقر (ع) می‌فرماید : « بِنِي الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ »

ترجمه : اسلام بر پنج پایه استوار شده است، نماز، زکات، حج، روزه و ولایت و به چیز دیگری دعوت نشده آن گونه که به ولایت دعوت شده است.

* ضرورت‌های تشکیل حکومت اسلامی :

الف : ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلامی ← اسلام یک دین کاملاً اجتماعی است علاوه بر توجه به فرد، به زندگی اجتماعی است؛ یعنی علاوه بر توجه به فرد، به زندگی اجتماعی توجه کامل دارد و تا جایی که مقدور بوده، به برخی احکام فردی، مانند عبادت جنبه اجتماعی داده است؛ مثلاً نماز جماعت را از نماز فرادی برتر دانسته و برای آن ثواب بیشتری قرار داده است. یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم، میسر نیست.

* آیه « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » (نساء ۶۰)

ترجمه : به راستی که پیامبرانمان را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم را به اقامه عدل و داد برخیزند. این آیه به ضرورت اجرای احکام اسلامی اشاره دارد.

ب : ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت ← ولی و سرپرست حقیقی انسان‌ها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس، هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او باز گردد. بنابراین، لازم است در جامعه، حکومتی وجود داشته باشد که « طاغوتی » نباشد؛ یعنی مورد پذیرش خداوند باشد و دستورات الهی را که در قرآن و روایات آمده است، به اجرا درآورد.

تعریف طاغوت ← کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که فرمان و قانونشان نشأت گرفته از فرمان الهی نیست، طاغوت نامیده می‌شوند. پذیرش حکومت طاغوت و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است.

* آیه « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا »
(حدید ۲۵)

ترجمه : آیا ندیده ای کسانی که گمان می کنند به آن چه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می خواهند داوری به نزد طاغوت برند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بورزند و شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشاند.
این آیه به ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت اشاره دارد.

* **تعریف ولایت معنوی** ← ولایت معنوی همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان هاست که مرتبه ای برتر و بالاتری از ولایت ظاهری است.

* **ولایت معنوی رسول (ص)** ← رسول خدا (ص) با انجام عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه ای از کمال رسید که می توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی بیمار را شفا دهد، بلایی را از شخص یا جامعه دور نماید و حاجات مردم را در صورتی که صلاح آن ها باشد، بر آورده سازد. هدایت معنوی یک کار ظاهری یعنی از طریق آموزش معمولی نیست بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات صورت می گیرد. میزان بهره مندی انسان ها از هدایت معنوی به درجه ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه ایمان و عمل انسان ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت های معنوی را بیشتر کسب می کنند. نمونه ای کامل از این نوع هدایت را می توانیم در رفتار رسول خدا با حضرت علی (ع) ببینیم. آن حضرت از همان دوران کودکی که تحت تربیت رسول خدا قرار گرفت، مراتب کمال را در ایمان و عمل به سرعت پیمود.

* حضرت علی (ع) می فرماید: « روزی رسول خدا (ص) هزار باب از علم را به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می شد ».

* **عصمت پیامبر اکرم (ص)** ← پیامبر زمانی می تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطا نگردد. مردم نیز زمانی گفته ها و هدایت های وی را می پذیرند که مطمئن باشند که او هیچ گاه مرتکب گناه و اشتباه نمی شود. اگر آنان احتمال دهند که پیامبران گناه می کند و دچار خطا می شود، به او اعتماد نمی کنند و از وی پیروی نخواهند کرد.
بدون وجود عصمت، مسئولیت پیامبری به نتیجه نخواهد رسید؛ زیرا:

اگر پیامبری در دریافت وحی و رساندن آن به مردم معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی رسد و امکان هدایت از مردم سلب می شود.

اگر پیامبری در تعلیم و تبیین دین و وحی الهی معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می شود و اعتماد مردم به دین از دست می رود.

اگر پیامبری در اجرای احکام الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی که مخالف دستورهای خدا، انجام دهد و مردم از او سرمشق بگیرند و گمراه شوند.

* **چه کسی تشخیص می دهد که کدام فرد (پیامبر) توانایی مقاومت در مقابل وسوسه گناه را دارد ؟**

فقط خداوند است که از آشکار و نهان افراد اطلاع دارد و می تواند توانایی فرد در دوری از گناه را تشخیص دهد. بنابراین، وقتی خداوند کسی را به

پیامبری برمی گزیند، معلوم می شود که وی می تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد.

* آیه « اللَّهُ حَيْثُ يُجْعَلُ رِسَالَتَهُ » ترجمه : خدا بهتر می داند رسلتش را کجا قرار دهد.

این آیه به برگزیده شدن و انتصاب برخی انسان ها به مقام نبوت فقط از سوی خدا اشاره دارد.

* **معصومیت پیامبران به چه صورت است** ← پیامبران الهی با اینکه مانند ما انسان ها غریزه و اختیار دارند، در مقام عمل به دستورات الهی دچار گناه نمی شوند؛ زیرا کسی گناه می کند که هوی و هوس بر او غلبه کند و کسی که حقیقت گناه را مشاهده می کند و می داند که با انجام آن از چشم خدا می افتد و از لطف و رحمت او دور می شود، محبت خداوند را با هیچ چیز عوض نمی کند. هم چنین آنان از بینش عمیقی برخوردارند که در انجام اوامر خداوند گرفتار خطا و اشتباه نمی شوند. ما نیز در مورد بعضی از گناهان معصوم هستیم، اما پیامبران نسبت به همه گناهان و اشتباهات عصمت دارند.

* **قدر شناسی از پیامبر اکرم (ص)** ← رسول خدا (ص) در مدت ۲۳ سال تلاش توانست پیام الهی را به مردم برساند و جامعه ای با ایمان به خدا و به دور از شرک بنا کند. بنای چنین جامعه ای از ارزش های انسانی، خود معجزه ای بزرگ بود که فقط با مجاهدت پیامبر اکرم میسر بود. اکنون جا دارد که ما مسلمانان قدردان تلاش ها و مجاهدت های پیامبر باشیم و با اتحاد و همدلی با یکدیگر نگذاریم دشمنان اسلام زحمات و تلاش های آن حضرت را بی اثر کنند.

* **برنامه ای برای وحدت مسلمانان** ← برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم وحدت میان خود را تقویت کنیم و از قدرت حدود دو میلیارد مسلمان و امکانات

بی نظیر سرزمین های اسلامی برای پیشرفت خود استفاده کنیم، نیازمند اجرای برنامه های دقیقی هستیم که نقشه های تفرقه افکن استعمارگران و عوامل

آنان را در سرزمین های اسلامی خنثی کند و دل های مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کند. برخی از این اقدامات عبارتند از :

۱) از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خوداری کنیم و اعتقادات خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا ببخشیم.

۲) از مظلومان در تمام نقاط جهان، با روش درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم. و به این سخن رسول خدا (ص) به خوبی عمل کنیم که فرمود : « هر کس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می طلبد بشنود، اما به یاری آن مظلوم برخیزد، مسلمان نیست ».

۳) کسانی که خود را به ظاهر مسلمان می نامند با دشمنان اسلام دوستی می ورزند، بشناسیم و فریب برنامه های آن ها را نخوریم.